

فرمان

عاليقدر اميرالمؤمنين حفظه الله تعالى در مورد جلوگیری از رواج‌های نادرست هنگام خویشاوندی، عروسی‌ها، مصیبت‌ها و همچنان بازگشت از حج و عمره

دین الله تعالى که خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به انسان‌ها رسانده و بیان کرده است، هر نوع نیکبختی، آسایش و خوشی دنیا و آخرت در آن نهفته است که با عملی کردن آن، یقیناً تمام مشکلات انسان‌ها حل و در هر مرحله زندگی از سهولت‌های بی‌نظیر بهره‌مند می‌باشند، الله تعالى دین خود را دوست دارد و از روی مهربانی بندگان خویش را به تفکر، تدبیر و عملی کردن آن دعوت نموده است و جهت عملی کردن دین در تمام عرصه‌های زندگی، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را الگو قرار داده است و هرآنچه که نبی صلی الله علیه وسلم به امت عرضه کرده است، به عملی کردن و هرآنچه که از آن منع کرده است به اجتناب از آن، حکم نموده است. چنانچه الله جل جلاله در آیات ذیل فرموده است: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ (الأحزاب: 21)

ترجمه: به تحقیق برای شما اقتداء در [روش و رفتار] رسول الله الگوی نیکویی است (تفسیر کابلی)

همچنان الله جل جلاله فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (الحشر، آیت: ۷).

ترجمه: و آنچه که داده به شما رسول (الله)، پس بگیرید آنرا؛ و آنچه که منع می‌کند شما را (رسول الله) از آن، پس بازایستید (طلبش نکنید). (تفسیر کابلی)

دیگر اینکه؛ هر آنچه که در دین نباشد، رسول الله صلی الله علیه وسلم آنرا مردود و باطل گردانیده است. چنانچه از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ.^(۱)

ترجمه: کسیکه یک عملی را انجام داد که در دین ما نباشد، آن مردود و باطل است.

(۱) رواه مسلم في صحيحه، د حدیث شمېره (۳۲۴۳)، قال أهل اللغة: الرد هنا بمعنى المردود: أي فهو باطل غير معتد به وهذا الحديث قاعدة عظيمة من قواعد الدين وهو من جوامع الكلم التي أوتيتها المصطفى صلى الله عليه وسلم فإنه صريح في رد كل بدعة وكل مخترع، وهو صريح في ترك كل محدثة سواء أحدثها فاعلها أو سبق إليها، وهذا الحديث مما ينبغي حفظه وإشاعته واستعماله في إبطال المنكرات فإنه يتناول ذلك كله. شرح النووي على صحيح مسلم (۱۸/۴)، ط: دارالكتاب العربي، بيروت لبنان.

از حضرت شعبی رحمه الله روایت است که حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرموده است: يَا أَيُّهَا النَّاسُ زُذُّوا الْجَهَالَاتِ إِلَى السُّنَّةِ⁽²⁾.

ترجمه: ای مردم! طُرُق جاهلانہ (خلاف سنت) را به سنت برگردانید (تلاش اصلاح آنرا کنید).

با توجه به آیات، حدیث شریف و اثر مبارک فوق، امارت اسلامی می‌خواهد که در تمام عرصه‌های زندگی طُرُق خلاف سنت را به سنت برگرداند، بناءً اینکه؛ نکاح (عروسی کردن) سنت است؛ اما متأسفانه در جامعه ما رواج نادرست و زیان‌آور با این عمل شرعی و مسنون به حدی آمیخته شده است که مردم را نه تنها از لحاظ دنیوی با زیان‌های مالی کمرشکن مواجه کرده، بلکه از لحاظ دینی نیز منکرات زیاد در آن انجام می‌شود که به هدف اصلاح و جلوگیری، چند مورد آن در اینجا ذکر می‌گردد:

زیادت در مهرها کار شایسته نیست:

شریعت، در عروسی‌ها به آسانی و اجتناب از مصارف گزاف ترغیب می‌کند.

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: «إِنَّ أَكْثَرَ النَّكَاحِ بَرَكَةٌ أَيْسَرُهُ مُؤُونَةٌ»⁽³⁾

ترجمه: به تحقیق، با برکت‌ترین نکاح آن است که هزینه‌اش کم باشد.

در حدیث شریف دیگر می‌آید:

"تَيَاسَرُوا فِي الصَّدَاقِ، إِنَّ الرَّجُلَ يُعْطِي الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهَا حَسِيكَةٌ..."⁽⁴⁾

ترجمه: با یکدیگر در مهر آسانی کنید (یعنی مهر کم تعیین نمایید)؛ زیرا گاهی مرد به زن آن قدر مهر میدهد که به سبب آن در دلش با آن زن کینه (نفرت) پیدا می‌گردد.

حضرت عمر رضی الله عنه فرموده است:

أَلَا لَا تُغَالُوا صَدُقَةَ النِّسَاءِ، فَإِنَّهَا لَوْ كَانَتْ مَكْرُمَةً فِي الدُّنْيَا، أَوْ تَقْوَى عِنْدَ اللَّهِ لَكَانَ أَوْلَاكُمْ بِهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.⁽⁵⁾

ترجمه: آگاه باشید! مهرهای زنان را بسیار زیاد نسازید؛ زیرا اگر زیادت مهر، عزت دنیوی یا تقوی در نزد الله عزوجل می‌بود، پس نبی صلی الله علیه وسلم بیشتر از شما مستحق آن بود.

با استدلال از احادیث مبارک متذکره و برخی احادیث دیگر، فقهای کرام رحمة الله تعالی علیهم تخفیف در مهر را مسنون و مرغوب دانسته‌اند.⁽⁶⁾

(2) رواه البیهقی فی السنن الکبری، مسلسلہ شمیرہ (۱۵۳۲۲).

(3) مسند أحمد (75/41) رقم الحدیث (24529)، مُسْنَدُ الصِّدِّيقَةِ عَائِشَةَ بِنْتِ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا.

(4) مصنف عبد الرزاق الصنعاني (174/6)، رقم الحدیث (10398).

(5): (صحيح سنن أبي داود، باب الصداق، برقم: 1834).

مهر، حق زن منکوحه است و استفاده از آن به هیچ شخصی صحیح نیست.

مهر حق زن است و هیچ شخصی حق ندارد که آنرا بدون رضایت وی مصرف کند، حتی اینکه فقهاء رحمهم الله تعالى می گویند: پدران و پدرکلان‌هایی که مهر دختران یا نواسه‌ها را مصرف می‌کنند، آنان غاصب و ضامن مهر میباشند؛ در صورتی که پدر و پدرکلان با استفاده از مهر غاصب شمرده شوند، پس به برادر، کاکا و دیگر خویشاوندان قطعاً هیچ راه وجود ندارد که مهرهای خواهران، برادرزاده‌ها و یا دختران خویشاوند دیگری را استفاده نمایند یا آنرا بدون رضایت آنان مصرف کنند.⁽⁷⁾

پدران و خویشاوندان اگر از استفاده مهر منع شوند، مهرها خود به خود کاهش می‌یابند؛ زیرا امروزه پول زیاد به نام مهر گرفته می‌شود، مگر پدر یا خویشاوندان دیگر از آن استفاده می‌کنند و پول بسیار کم را به نام مهر به زنان می‌دهند.

بناءً تعدادی از رواج‌هایی که علاوه بر منع شرعی و اسراف، باعث مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی به سطح بلند شده‌اند، که از طرف هیئت مشترک متشکل از علمای کرام مجالس فقهی مربوط دارالافتای امارت اسلامی افغانستان، شیوخ عظام معتبر افغانستان، اعضای محترم کمیسیون اقتصادی و نمایندگان وزارت‌ها و ادارات ذیربط امارتی تشخیص شد که در مورد آن مراتب ذیل را منظور می‌دارم:

نکات قابل رعایت در امور مربوط به عروسی

ماده اول:

- (۱) ولی دختر بالغ که اکثر اوقات پدر یا برادر وی می‌باشد، شرعاً مکلف است، حقوق شرعی وی را رعایت نماید.
- (۲) ولی دختر بالغ شرعاً مسئولیت دارد، در نامزد کردنش با وی مشوره کند و نظر مثبت وی را بگیرد.
- (۳) ولی دختر بالغ شرعاً نمی‌تواند، بدون رضایتش وی را به اجبار به کسی به نکاح بدهد.
- (۴) هرگاه ولی دختر بالغ، دختر مذکور را بدون رضایت وی به اجبار به شخصی به نکاح بدهد، وی می‌تواند به محاکم و ادارات مربوط شکایت و عریضه کند، در این صورت، رعایت فرمان شماره (۸۳ج۱) مؤرخ (۱۴۴۳/۴/۲۷هـ.ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالى ضروری است.

(6): «ولكن یسن تخفیف الصداق وعدم المغالاة فی المهور، لقوله صلی الله علیه وسلم: «إن أعظم النکاح بركة أيسره مؤنة» وفي رواية «إن أعظم النساء بركة أيسرن صداقاً» وروی أبو داود وصححه الحاكم عن عقبه بن عامر حديث: «خير الصداق أيسره». والحكمة من منع المغالاة فی المهور واضحة وهي تيسير الزواج للشباب، حتى لا ينصرفوا عنه، فتقع مفسد خلقية واجتماعية متعددة، وقد ورد في خطاب عمر السابق: «وإن الرجل لیغلي بصدقة امرأته حتى يكون لها عداوة فی قلبه». الفقه الاسلامي وادلته (6764/9) دار الفکر - سورية - دمشق

(7) فَحَاصِلُهُ: أَنَّ فِي الْمَهْرِ حُقُوقًا ثَلَاثَةً: أَحَدُهُمَا حَقُّ الشَّرْعِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلُّ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ أَوْ مَا يُسَاوِيهَا. وَالثَّانِي حَقُّ الْأُولِيَاءِ وَهُوَ أَنْ لَا يَكُونَ أَقَلُّ مِنْ مَهْرِ الْمُثَلِّ. وَالثَّالِثُ حَقُّ الْمَرْأَةِ وَهُوَ كَوْنُهُ مُلْكًا لَهَا، ثُمَّ حَقُّ الشَّرْعِ، وَالْأُولِيَاءِ مُرَاعَى وَقَتِ الثَّبُوتِ فَقَطْ فَلَا حَقَّ لَهَا حَالَةَ الْبَقَاءِ. البحر الرائق (144/3)

- (المأذنة 97): لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَ مَالَ أَحَدٍ بِلا سَبَبٍ شَرْعِيٍّ. مجلة الأحكام العدلية (ص: 27)

نعم إن كان الأب يأكل مهور البنات كالفلاحين والأعراب فالقول بتضمينه إذا مات مجهلاً ظاهر؛ لأنه غاصب من أول الأمر؛ لأنه إنما قبض المهر لنفسه لا لبنته فليكن التعويل على هذا التفصيل والله تعالى أعلم.. العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية (74/2).

إذا كان الأب ممن يأكل مهور البنات كالفلاحين والأعراب، فالقول بتضمينه إذا مات مجهلاً ظاهر لانه غاصب من أول الامر، لانه إنما قبض المهر لنفسه لا لبنته، فليكن التعويل على هذا التفصيل ومثله الجدل كما مره. قره عين الأخبار لتكملة رد المحتار علي الدر المختار (482/8)

وَأَمَّا يَمْلِكُ الْأَبُ قَبْضَ الصَّدَاقِ بَرِضًا دَلَالَةً فَيَنْبَغُ الرُّجُوعُ بِالدَّفْعِ إِلَيْهِ وَلِهَذَا لَا يَمْلِكُ مَعَ نَهْيِهَا، وَالْجَدُّ كَالْأَبِ كَمَا فِي الْخَانِيَّةِ.... بِخِلَافِ سَائِرِ الْأُولِيَاءِ لَيْسَ لَهُمْ حَقُّ قَبْضِ مَهْرِهَا بِدُونِ أَمْرِهَا؛ لِأَنَّهُ مَعْبَرٌ الْبَحْرُ الرَّائِقُ (118/3)

(۵) زن از نظر اسلام در موضوع نکاح کردن مانند مرد مستقل است، به هیچ صورت مال کسی نمی‌گردد و بعد از فوت شوهر خود یا طلاق، بدون رضایت و مشوره وی، خانواده خسرو یا هم خانواده پدر نمی‌تواند وی را به زور به شخص دیگری به نکاح بدهد، وی با رضایت خود در جایی و با هر شخصی که بخواهد، مطابق اصول شرعی نکاح کرده می‌تواند.

(۶) مهری که در نکاح به زن داده می‌شود، حق زن است و شخصی نمی‌تواند آنرا از وی بگیرد، در این مورد رعایت فرمان شماره (۸۳ج۱) مؤرخ (۱۴۴۳/۴ هـ. ق) عالیقدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی ضروری است.

(۷) هرگاه شخصی بر دختر یا زنی فیر کند یا کاکل وی را قطع کند و یا بالای وی چادر بیندازد، با این و یا طریقه دیگر جبراً وی را خانم خود بیندازد، این عمل غیرشرعی و جرم است، چنین اشخاص به محاکم امارت اسلامی معرفی شوند تا به سزای جرم خویش برسند.^(۸)

(۸) نامزدی که در آن عقد (ایجاب و قبول) در حضور شاهدان صورت نگرفته باشد، شرعاً نکاح محسوب نمی‌شود.

(۹) در شریعت اسلامی، اندازه کم مهر ده درهم و اندازه زیاد آن حد ندارد، اگر زن راضی باشد، با ده درهم یا با مال معادل آن نیز نکاح صورت می‌گیرد، اگر رضایت وی نباشد، پس به جز از پدر یا پدرکلان دلسوز و خیرخواه، خویشاوندان دیگر و یا پدر و پدرکلان بد اختیار نمی‌توانند که به مهر کمتر از اندازه مهر مثل نکاح وی را عقد نمایند و اگر به اندازه کمتر از مهر مثل نکاح وی را عقد کرده باشند، چنین نکاح صحیح نیست؛ مهر حق زن است، خویشاوندان برای خود هیچ پولی را نه طلب و نه اخذ کرده می‌توانند.^(۹)

(۱۰) شریعت اسلامی، به کم کردن مهر ترغیب کرده است؛ مردم سعی کنند که رواج گرفتن مهر زیاد را ختم نمایند و به مهر کم اکتفاء کنند.

(۱۱) علاوه بر مهر، اخذ پول به نام ولور، غذا (اشیاء و اجناس خوراکی که یک یا دو روز قبل از عروسی، داماد به خانه عروس می‌برد)، بابیری (اضافه ستانی از مهر تعیین شده)، طویانه و خونبی (مصرف عروسی) از طرف خانواده خسرو یا به نام رواج های دیگر جایز نیست، فقهای کرام رحمهم الله آنرا رشوت محسوب می‌نمایند.^(۱۰)

(۱۲) بعد از نامزدی، برگزاری مهمانی‌ها پایواری و شیرینی‌خوری (دستمال کلان) و یا به نام های دیگر، رواج های بی‌جا است از آن اجتناب شود، اجازه دوبار بردن دستمال (دستمال کلان) نیست و در یکبار دستمال (دستمال خرد) تعداد مهمانان مرد و زن نیز به اندازه کم باشد و تحفه دادن به جز از داماد و عروس به شخص دیگری در این مراسم، منع است؛ البته

(۸) دلته باید سزا و تاکله شی.

(۹) (وَإِنْ كَانَ الْمُزَوَّجُ غَيْرَهُمَا) أَيْ غَيْرَ الْأَبِ وَ أُمِّهِ وَلَوْ الْأُمُّ أَوْ الْقَاضِي (لَا يَصِحُّ) النِّكَاحُ (مِنْ غَيْرِ كُفٍّ أَوْ بَغْنٍ فَاحِشٍ أَصْلًا) وَمَا فِي صَدْرِ الشَّرِيعَةِ صَحٌّ وَلَهُمَا فَسْخُهُ وَهُمْ (وَإِنْ كَانَ مِنْ كُفٍّ وَبِمَهْرٍ الْمُثْلِ صَحٌّ) لَكِنْ (لَهُمَا) أَيْ لِصَغِيرٍ وَصَغِيرَةٍ وَمُلْحَقٍ بِهِمَا (خِيَارُ الْفَسْخِ) وَلَوْ بَعْدَ الدُّخُولِ (بِالْبُلُوغِ أَوْ الْعِلْمِ بِالنِّكَاحِ بَعْدَهُ) لِقُصُورِ الشَّقَقَةِ. الدرالمختار مع رد المحتار (67/3).

- لَكِنَّ الْمُثْنَى بِهِ الْآنَ بَطْلَانُهُ كَالصَّغِيرَةِ الَّتِي زَوَّجَهَا غَيْرُ الْأَبِ وَالْجَدِّ غَيْرِ كُفٍّ أَوْ بَدُونِ مَهْرٍ الْمُثْلِ . (رد المحتار) (609/3).

وَلَوْ أَكْرَهَتْ عَلَى أَنْ تَزَوَّجَتْهُ بِالْفِ، وَمَهْرُ مِثْلِهَا عَشْرَةُ أَلْفٍ زَوَّجَهَا أَوْلِيَاؤُهَا مُكْرَهِينَ فَالنِّكَاحُ جَائِزٌ وَيَقُولُ الْقَاضِي لِلزَّوْجِ: إِنَّ شِلْتَ أَتَمِّمُ لَهَا مَهْرَ مِثْلِهَا وَهِيَ أَمْرٌ أَتَمُّ إِنَّ كَانَ كُفُّوا لَهَا، وَالْأَفَرَقُ بَيْنَهُمَا وَلَا شَيْءَ لَهَا إِلْحَ فَافْتَمَّ. الدرالمختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (21/3).

- نَعَمْ إِذَا كَانَ مُتَهَنِّكًا لَا يَنْفُذُ تَزْوِجُهُ إِلَّاهَا بِنَقْصٍ عَنْ مَهْرٍ الْمُثْلِ وَمِنْ غَيْرِ كُفٍّ . (رد المحتار) (54/3).

(10) ومن السحت: ما يأخذه الصهر من الختن بسبب بنته بطيب نفسه حتى لو كان بطلبه يرجع الختن به مجتبی. " (رد المحتار) (424/6)

(أخذ أهل المرأة شيئاً عند التسليم فللزواج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبي أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيئاً، وكذا لو أبى أن يزوجه فللزواج الاسترداد قائماً أو هالكا لأنه رشوة. الدرالمختار مع رد المحتار (156/3).

تحایف به داماد و عروس نیز مطابق توان؛ فقط لباس و اشیای عادی زینت و آرایش باشد؛ موتر، موترسایکل، خانه (منزل) و سایر اشیای قیمتی در تحفه داده نمی‌شود.

(۱۳) مراسم دستمال در هوتل نباشد؛ زیرا این اسراف است و الله تعالی فرموده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الاعراف: آیت ۳۱).

ترجمه: ای فرزندان آدم! بگیرید شما زینت (زیبایی) خود را هنگام هر نماز (به پوشیدن لباس پاک، ستر عورت و بخورید و بنوشید و اسراف (مصرف بی جا) نکنید، بدون شک الله مسرفان (اسراف کنندگان) را دوست نمیدارد. (تفسیر کابلی)

(۱۴) بعد از نامزدی و نکاح، سعی شود که در صورت امکان هرچه زودتر، عروسی صورت گیرد.

(۱۵) بعد از نامزدی، پوشاک (لباس های) رواجی و تکراری منع است، یکبار در سال اجازه بردن یک جوهر (لباس) فقط به عروس از طرف داماد مطابق توان بدون اسراف می‌باشد، بردن پوشاک (لباس ها) از طرف عروس به داماد مطلقاً منع است.

(۱۶) مراسم ولیمه و عروسی بدون اسراف و رياء، مطابق با توان داماد و در مکان و موترهای دلخواه وی برگزار شود، خانواده عروس نمی‌تواند داماد را مجبور کند که مراسم عروسی را در هوتل یا موترهای قیمتی برگزار نماید.

(۱۷) داماد مراسم عروسی را در موترهای امارتی برگزار نکند.

(۱۸) هنگام عروسی، از طرف داماد به خانواده عروس خوراکی یا طوی (خوراک پخته یا خام) برده نمی‌شود، همچنین طلب و اخذ مصارف شیرینی خوری و پوشاک منع است، همچنان طلب رخت ها به نام دودی و چادر و یا با سایر نام ها از داماد منع است بر اساس شریعت اخذ اشیای متذکره عمل ناجائز است.^(۱۱)

(۱۹) حین انتقال عروس، طلب پول از طرف مامای عروس، هم‌سالان عروس، اهالی قریه و یا خدمتگار دیگری و یا برای آنان از خانواده داماد، منع است، البته اگر شخصی به نام صدقه به رضایت خود به خدمتگار قریه که همیشه در خوشی ها خدمت اهالی قریه را می‌نماید، باکی ندارد.^(۱۲)

(۲۰) برگزاری مسابقاتی در عروسی که به برنده آن موتر، موترسایکل یا چیز دیگری انعام داده می‌شود، منع است، تا از اسراف بیجا جلوگیری شود، البته مسابقات بازی‌های جایز که در آن انعام نباشد، برگزار شده می‌تواند.

(۲۱) فیرکردن (تیراندازی) و استفاده وسایط امارتی حین مراسم نامزدی، دستمال یا عروسی منع است؛ همچنان، تیزرانی موترها و موترسایکل ها، آماده کردن کاروان‌های بزرگ و یا این چنین اعمالی که سبب مسدودیت راه یا تلفات و یا اذیت مردم می‌شود، منع می‌باشد.

(۲۲) در عروسی یا بعد از آن، رونمایی (لباس/پول) دادن از طرف مردان و زنان خانواده های دیگر به عروس و سپس از طرف عروس در عوض آن، رونمایی دادن منع است؛ زیرا از این رواج ناپسند تکلیف سنگین به وجود آمده و بدتر اینکه عوض هر شی را دوباره می‌دهند که به جای محبت، نفرت ایجاد می‌کند.

(۱۱) ومن السحت: ما يأخذ الصهر من الختن بسبب بنته بطيب نفسه حتى لو كان بطلبه يرجع الختن به مجتبی. " (رد المحتار) (424/6)
(أخذ أهل المرأة شيناً عند التسليم للزوج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبي أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيناً، وكذا لو أبي أن يزوجها للزوج الاسترداد قائماً أو هالكا لأنه رشوة. الدر المختار مع رد المحتار (156/3).
(۱۲) (أخذ أهل المرأة شيناً عند التسليم للزوج أن يسترده) لأنه رشوة. (قوله عند التسليم) أي بأن أبي أن يسلمها أخوها أو نحوه حتى يأخذ شيناً، وكذا لو أبي أن يزوجها للزوج الاسترداد قائماً أو هالكا لأنه رشوة. الدر المختار مع رد المحتار (156/3).

(۲۳) در مراسم دستمال، به جز از خانواده داماد مهمانان دیگر، به عروس تحفه پول ندهند و نه خانواده عروس به مهمانان لباس‌ها و تحایف دیگر بدهند، البته اکرام مهمانان بدون اسراف و ریاء پروا ندارد.

(۲۴) بدل عواقب خوبی ندارد و حتی الامکان از آن اجتناب شود، در صورت بدل، تعیین و پرداخت مهر ضروری است، علمای کرام در مورد کراهیت بدل به مردم آگاهی بدهند.^(۱۳)

نکات قابل رعایت در مراسم مُرده‌داری

ماده دوم:

(۱) در بعضی مناطق از طرف خانواده متوفی به اهالی قریه و مردم دیگر در روزهای معین طعام و مهمانی ترتیب داده می شود که فقهای کرام از آن منع نموده اند، در این مورد چند قول فقهای کرام قرار ذیل است:

- ترتیب مهمانی به مردم از طرف خانواده متوفی به مناسبت مرده‌داری، مکروه است؛ زیرا مهمانی در خوشی‌ها می باشد، نه در غم‌ها، این بسیار بدعت ناپسند است (آماده کردن مهمانی در روز غم به مردم، زیرا که این در شریعت اصل ندارد و دیگر اینکه این روزها از خود ترتیبات و مکلفیت‌ها دارد).^(۱۴)

- آماده کردن غذا به مردم جمع شده از طرف خانواده متوفی به مناسبت مرده داری گناه است؛ جریر بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: جمع شدن خویشاوندان در خانه متوفی و ترتیب دادن غذا از طرف آنها را ما نیاحت می‌پنداشتیم؛^(۱۵)

یعنی ماتم (چیغ و فریاد) را که ممنوع و بد می‌شمردیم، این را نیز بد می‌شمردیم (حال آنکه نیاحت و ماتم گناه کبیره است).^(۱۶)

آماده کردن غذا به مردم از طرف خانواده متوفی مکروه است، زیرا با این، مصیبت آنها بیشتر می‌شود و دیگر اینکه با مردم زمانه جاهلیت مشابَهت می‌آید.^(۱۷)

(۱۳) (وَوَجَبَ مَهْرُ الْمُثَلِّ فِي الشَّغَارِ) هُوَ أَنْ يُزَوِّجَهُ بِنْتَهُ عَلَى أَنْ يُزَوِّجَهُ الْأَخْرُ بِنْتَهُ أَوْ أُخْتَهُ مَثَلًا مُعَاوَضَةً بِالْعَقْدَيْنِ وَهُوَ مِنْهُي عَنْ لِحْلُوهُ عَنِ الْمَهْرِ، فَأَوْجَبْنَا فِيهِ مَهْرَ الْمُثَلِّ فَلَمْ يَبْقَ شَغَارًا.

قال الشامي: وَحَاصِلُهُ أَنَّهُ مَعَ إِجْبَابِ مَهْرِ الْمُثَلِّ لَمْ يَبْقَ شَغَارًا حَقِيقَةً، وَإِنْ سَلَّمَ فَالْثَّهْيُ عَلَى مَعْنَى الْكَرَاهَةِ، فَيَكُونُ الشَّرْعُ أَوْجَبَ فِيهِ أَمْرَيْنِ الْكَرَاهَةَ وَمَهْرَ الْمُثَلِّ، فَأَوَّلُ مَا خُوِّدَ مِنَ الثَّهْيِ، وَالثَّانِي مِنَ الْأَدْلَةِ الدَّالَّةِ عَلَى أَنَّ مَا سَمِيَ فِيهِ مَا لَا يَصْلُحُ مَهْرًا يَنْعَقِدُ مُوجِبًا لِمَهْرِ الْمُثَلِّ، وَهَذَا الثَّانِي دَلِيلٌ عَلَى حَلْلِ الثَّهْيِ عَلَى الْكَرَاهَةِ دُونَ الْفَسَادِ، وَهَذَا التَّقْرِيرُ انْدَفَعَ مَا أُوْرِدَ مِنْ أَنَّ حَمْلَهُ عَلَى الْكَرَاهَةِ يَفْتَضِي أَنَّ الشَّغَارَ الْأَنْ غَيْرَ مِنْهُي عَنْهُ لِإِجْبَابِنَا فِيهِ مَهْرَ الْمُثَلِّ. الدر المختار مع رد المحتار (3/106).

فإذا وقع النكاح على هذا الوجه فالنكاح جائز، ولكل واحدة منهما مهر مثلها إن دخل بها. ولا يلحل له فرجها بغير مهر. الأصل للشيباني ط قطر (10/256)

(۱۴) ويكره اتخاذ الضيافة من الطعام من أهل الميت لأنه شرع في السرور لا في الشرور، وهي بدعة مستقبحة. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (2/240)، ط: دار الفكر بيروت، كذا في فتح القدير، كتاب الجنائز، (۱۰۲/۲) وحاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح (۳۳۹).

(۱۵) وروى الإمام أحمد وابن ماجه بإسناد صحيح عن جرير بن عبد الله قال "كنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعهم الطعام من النياحة. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (2/240)، مطلب في الثواب على المصيبة، كذا في الفقه على المذاهب الأربعة (۱/۴۹۰).

(۱۶) عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ» رواه ابو داود والبيهقي في شعب الإيمان. الْكَبِيرَةُ الثَّاسِعَةُ وَالْأَرْبَعُونَ اللَّطْمُ وَالنِّياحَةُ وَشَقُّ النَّوْبِ وَحَلْقُ الرَّأْسِ وَنَتْفَةُ الدُّعَاءِ بِالْوَيْلِ وَالتَّبْثُورُ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ رَوَيْنَا فِي صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَطَمَ الْخُدُودَ وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ... وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اثْنَتَانِ فِي النَّاسِ هُمَا كَفَرُ الطَّغْنِ فِي الْأَنْسَابِ وَالنِّياحَةُ عَلَى الْمَيِّتِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّائِحَةَ وَالْمُسْتَمِعَةَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ الْكِبَارِيُّ لِلذَّهَبِيِّ (ص: 183)

- خیرات‌های رواجی برای مشهور ساختن خود و ریاء می باشد، آنرا به خاطر الله تعالی نمی کنند، به همین سبب باید از آن اجتناب شود.⁽¹⁸⁾

- اگر خیرات رواجی مباح هم شود، به سبب اینکه مردم آنرا به مرتبه واجب رسانیده، مکروه و ترک آن ضرور است.⁽¹⁹⁾

با توجه به دلایل متذکره شرعی فوق و همچنان سایر زیان های متعدد اجتماعی، شرعی و اقتصادی ایجاد شونده، عملی نمودن نکات ذیل ضروری است:

(۱) آماده کردن طعام (در روز اول، سوم، هفتم و چهلم)، از طرف خانواده متوفی از روی رواج مانند بدرقه (خیرات روزهای اولین متوفی) و مهمانی، منع می باشد،⁽²⁰⁾ صدقه دادن مال نقد یا جنس که شکل مهمانی را نداشته باشد و بدون تعیین روز که شرایط ذیل در آن نیز رعایت شده باشد، سبب ثواب به متوفی است:

۱- صدقه به سبب ریاء، شهرت، سیالی، رواج و طعنه مردم نباشد.

۲- صدقه و خیرات واجب و ضروری شمرده نشود، هرگاه کسی آن را انجام نداد به وی به چشم بد دیده نشود.

۳- تنها وارثان عاقل و بالغ از مال خود به رضایت خود صدقه و خیرات کرده می توانند، مال یتیم و وارث غیرحاضر در آن مصرف نشود.

(۲) صدقه و خیرات کردن از مال یتیم برای متوفی، اگرچه به اجازه یتیم باشد، منع است، شخصی که در مال یتیم چنین تصرف نماید، ضمان بر وی لازم است.

(۳) در بعضی مناطق، مردم از روی رواج جهت تعزیت، در عید اول متوفی به خانه متوفی می روند، این نیز رواج نادرست و منع است.

(۴) در بعضی مناطق رواج است که زن بعد از وفات باید ضرور به حضیره پدری اش انتقال یابد و عدم انتقال وی برای تمام قوم ننگ شمرده می شود، که این کدام حیثیت شرعی ندارد، بلکه بهتر است که در حضیره مورد نظر شوهر و اولاد وی دفن کرده شود.

(۵) آماده کردن طعام به خانه متوفی از طرف همسایگان و خویشاوندان، عمل مستحب است.

(17) وروي عن عبد الله بن أبي بكر، أنه قال: فما زالت السنة فينا، حتى تركها من تركها. فأما صنع أهل الميت طعاما للناس، فمكروه؛ لأن فيه زيادة على مصيبتهم، وشغلا لهم إلى شغلهم، وتشهيا بصنع أهل الجاهلية. المغني لابن قدامة (2/ 410)، ط: مكتبة القاهرة:

(18) وهذه الأفعال كلها للسمعة والرياء فيحترز عنها لأهم لا يريدون بها وجه الله تعالى. الدر المختار وحاشية ابن عابدين (2/ 241)، مطلب في الثواب على المصيبة

(19) كُلُّ مَبَاحٍ يُؤَدِّي إِلَى زَعْمِ الْجَهْلِ سَلْبَةً أَوْ جُوبَةً فَهُوَ مَكْرُوهٌ. العقود الدرية في تنقيح الفتاوى الحامدية (2/ 333)

قال ابن المنير فيه أن المندوبات قد تقلب مكروهات إذا رفعت عن رتبها لأن التيامن مستحب في كل شيء أي من أمور العبادة لكن لما خشي بن مسعود أن يعتقدوا وجوبه أشار إلى كراهته والله أعلم. فتح الباري شرح صحيح البخاري (2/ 338)، ط: دارالمعرفة بيروت:

- قال الطيبي: وفيه أن من أصر على أمر مندوب، وجعله عزمًا، ولم يعمل بالرخصة فقد أصاب منه الشيطان من الإضلال فكيف من أصر على بدعة أو منكر؟. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (2/ 755)، باب الدعاء في الشهد، ط: دارالفكر

(20): لما في حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح (ص: 409)، فصل في حملها ودفعها، ط: المكتبة الأميرية القاهرة: يكره اتخاذ الطعام في اليوم الأول والثالث وبعد الأسبوع ونقل الطعام إلى المقبرة في المواسم، كذا في ردالمحتار (2/ 240)، مطلب في كراهة الضيافة من أهل الميت.

(٦) تعزيت از سوى شريعت مطهره به شمول روز تدفين، سه روز تعيين شده است، البته به اشخاص غائب، بعد از آن نيز اجازه تعزيت وجود دارد.

(٧) بعد از يكبار فاتحه، دوباره رفتن به خانه متوفى به نيت فاتحه مكروه است.

(٨) مسئولين امارتى فاتحه اقارب متوفى خود را اعلان ننمايند، بدون اعلان، فقط به مدت سه روز در محل اقامت خود براى فاتحه حضور داشته باشند.

(٩) حيله اسقاط براى متوفى انجام مى شود كه فقير يا مالدار باشد، مگر بدون وصيت وفات كرده باشد، يا وصيت نيز كرده باشد؛ مگر سوم حصه مال او براى فديه واجب كفائت نكند، اگر متوفى ثروت مند باشد و وصيت كرده باشد، بر ولى او واجب است كه فديه واجبه او را از سوم حصه مال اداء نمايد و تنها به حيله اسقاط اكتفاء نكند، البته طريقه حيله مطابق شرايطى باشد كه در فقه حنفى از آن ذكر شده است.

(١٠) شرايط حيله شرعى قرار ذيل است:

١- مال جمع آورى شده براى حيله اسقاط جهت قبض تنها به مساكين داده مى شود، به غنى، طفل، ديوانه، سفيه (بى عقل) و كافر داده نمى شود.⁽²¹⁾

٢- حيله اسقاط به خاطر رواج و خودنمايى نمى شود، بلكه به اين نيت صورت گيرد كه ذمه متوفى خلاص شود.⁽²²⁾

٣- ورثه متوفى براى حيله از شخصى پول يا جنس ديگرى قرض نگيرند، كه خودش مالك آن نباشد و نه از شريكى قرض بگيرند كه شريك ديگرش اجازه نداده باشد.⁽²³⁾

٤- گرداننده فديه بايد وارث متوفى يا وكيل وارث باشد و به وكيل گفته شود كه بعد از ختم هر دوره، براى هر دوره بعدى در دادن مال به فقير و پس گرفتن، دوباره وكيل من هستى.⁽²⁴⁾

٥- نمازها و روزه هاى قضاء شده متوفى بايد دقيق حساب شود و اگر دقيق معلوم نباشد، پس به گمان غالب حساب گردد.⁽²⁵⁾

٦- هنگام دادن فديه به فقير نيت اين باشد كه فقير مالك اين پول و اشياء مى گردد.⁽²⁶⁾

٧- فقير به اين آگاه باشد يا شخصى وى را بفهماند كه با قبض كردن، مالك آن مى گردد.⁽²⁷⁾

(21) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين الشامي (٢١١/١): ويجب الاحتراز أيضاً عن إحضار قاصر أو معتوه أو رقيق أو مدبر... أو غني أو كافر. كذا في منحة الخالق على هامش البحر الرائق (١٦٠/٢)، ط: دار الكتب العلمية، بيروت لبنان،

(22) لما في حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح شرح نور الإيضاح (ص: 439): ويعطيه "للفقير" بقصد إسقاط ما يريد عن الميت، وكذا في منهاج السنن. ج، 4 ص: ٢٥ ومجموعة الرسائل ابن عابدين.

(23) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢٢٥/١): ويجب الاحتراز أيضاً عن جمع الصرة واستهلاكها أو استقراضها من غير مالكيها أو من أحد الشريكين بدون إذن الآخر.

(24) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢٢١/١): اللهم إلا أن يوكله وكالة دورية كلما عزل فهو وكيله في الدور... ويجب أن يحترز من أن يديرها أجني إلا بوكالة كما ذكرنا.

(25) لما في الدر المختار وحاشية ابن عابدين (73/2)، باب قضاء الفوائد: والأقرب أن يحسب ما على الميت ويستقرض بقدره، بأن يقدر عن كل شهر أو سنة أو يحتسب مدة عمره بعد إسقاط اثني عشرة سنة للذكر وتسع سنين للأنثى لأنها أقل مدة بلوغهما.

(26) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢٢٥/١): ويجب الاحتراز عمن أن يلاحظ الوصي عند دفع الصرة للفقير الهزل أو الحيلة بل يجب أن يدفعها عازماً على تملكها منه حقيقة لا تحيلاً.

۸- شخصی که فدیة را می‌گرداند و آنرا به فقیر می‌دهد، باید دست‌های خود را از آن دور کند و در دوباره گرفتن از وی، عجله نکند. (28)

۹- گرداننده فدیة به فقیر چنین الفاظ را بگوید: این فدیة نماز، روزه، قسم یا... فلانی که پسر فلانی است، می‌باشد، آن را قبول کن، او بگوید: قبول کردم، من مالک آن شدم، سپس دوباره آن را به شخص مذکور هبه کند. (29)

۱۰- حيلة کنندگان بعد از دوره از ناراض شدن فقیر خودداری کنند، اگر مال از حيلة کنندگان باشد، آنقدر مال را صدقه بدهند که فقیر بر آن خوشحال شود. (30)

۱۱- هرگاه در ماه‌های حج حيلة انجام شود، این در نظر گرفته شود که آنقدر پول یکجا به فقیر داده نشود که حج بر وی فرض شود.

۱۲- اگر متوفی وصیت نکرده باشد، ولی وی از مال به رضایت وارثان، هنگامی چیزی به فقیر داده می‌تواند که در بین وارثان وی غائب و صغیر نباشد و اگر وصیت کرده باشد، پس از سوم حصه مال میت مال داده می‌تواند، گرچه در بین وارثان، غائب یا یتیم نیز باشد. (31)

اجتناب از برخی مصارف غیر ضروری و رواج‌های نادرست هنگام بازگشت از حج و عمره

ماده سوم:

ترتیب مهمانی و خیرات بزرگ به مردم محل و مهمانان آمده و دعوت شده هنگام بازگشت از حج و عمره در بعضی مناطق به مناسبت مبارکی و خوش آمدید و همچنان اعطای تحفه‌های قیمتی به مردم، رواج ضروری گردیده است که از یک طرف حیثیت شرعی ندارد و از طرف دیگر به علت مصرف گزاف سبب محرومیت و یا تأخیر بسیاری از مردم از حج و عمره گردیده است، از همین رو، باید تمام حجاج و معتمرین از مصارف مذکور و رواج‌های زیان‌بار اجتناب نمایند.

آگاهی دهی از احکام این فرمان و عملی نمودن آنها

ماده چهارم:

(۱) وزارت‌های امور داخله، سرحدات، اقوام و قبایل، اطلاعات و فرهنگ، ارشاد، حج و اوقاف، معارف و تحصیلات عالی، رسانه‌ها و شوروی‌های علماء، مجالس فقهی، خطیبان و امامان مساجد، منتفذين قومی و بزرگان بانفوذ در ولایات و ولسوالی‌ها

(27) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢١٢/١): ويقبلها الفقير، ويقبضها، ويعلم أنها صارت ملكا له.

(28) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢٢٥/١): ويجب الاحتراز عن الإسراع بالقبول قبل تمام الإيجاب. فلا يقول الفقير قبلت إلا بعد تمام كلام الوصي ولا يقول الوصي قبلت إلا بعد تمام كلام الفقير كذا في منهاج السنن شرح الترمذي (٢٥/٤). كذا في منحة الخالق على هامش البحر الرائق (٢/١٦٠). ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان ومنهاج السنن شرح الترمذي (٢٥-٢٦/٤).

(29) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢١٢/١): ويقول له خذ هذه الصرة عن فدية صلاة سنة أو عشر سنين مثلا عن فلان بن فلان الفلاني أو ملكتك... ويقول الفقير هكذا: وأنا قبلتها وتملكتها منك ثم يعطيها الفقير.

(30) لما في مجموعة الرسائل لابن عابدين (٢٢٥/١): ويجب أن يحترز عن كسر خاطر الفقير بعد ذلك بل يرضيه بما تطيب به نفسه. وكذا في منحة الخالق على بحر الرائق لابن عابدين (١٦٠/٢).

(31) لما في منهاج السنن شرح الترمذي (٢٥-٢٦/٤): ويجب أن لا يكون في الورثة یتيم ولا غائب إذا لم يوص. كذا في منحة الخالق على هامش البحر الرائق (١٦٠/٢)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان

با حکمت، مصلحت و تفاهم به سهم خویش در مورد احکام این فرمان به مردم آگاهی بدهند و در عملی نمودن احکام فوق کوشش نمایند.

(۲) ریاست عمومی اداره امور، وزارت امر بالمعروف، نهی عن المنکر و سمع شکایات و لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام، طور دوامدار از اجراءات وزارت‌ها، ادارات و اشخاص که در فقره (۱) این ماده ذکر شده است، نظارت نمایند.

انفاذ

ماده پنجم:

این فرمان از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

امیرالمؤمنین شیخ القرآن والحديث

مولوي هبة الله اخندزاده